

دوفصلنامه پژوهشنامه نسخه‌شناسی متون نظم و نثر فارسی

سال چهارم، شماره دوازدهم، پاییز و زمستان ۱۳۹۸

بررسی سبک‌شناسی لایه‌ای دیوان حسن آتشی و معرفی نسخ خطی آن^۱

هاجر علیپور^۲

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران.

دکتر مهدی فاموری^۳

استادیار زبان و ادبیات فارسی واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران (نویسنده مسؤول)

دکتر محمدهادی خالق‌زاده^۴

استادیار زبان و ادبیات فارسی واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران.

چکیده

جنگ‌نامه میرزا حسن آتشی (سده سیزدهم قمری)، منظومه‌ای به فارسی در نبردهای امام علی^(ع) و مناقب امامان شیعه و یک حماسه دینی است که نیمی از آن در بحر متقارب و نیم دیگر در قالب قصیده سروده شده است. دو نسخه از این جنگ‌نامه باقی مانده که یک نسخه از آن در کتابخانه جامع گوهرشاد وجود دارد؛ تاریخ کتابت آن ۱۲۲۵ق و دارای ۳۳۵ برگ و ۶۰۰۰ بیت است. کاتب آن مشخص نشده و با توجه به رسم‌الخط آن، احتمالاً بیش از یک کاتب داشته است. نسخه دوم در کتابخانه آستان قدس با ۱۳۲ برگ که نسخه ناقص جنگ‌نامه است. نسخ خطی به‌عنوان یک پل ارتباطی بین زبان و فرهنگ گذشته و حال،

تاریخ پذیرش: ۹۸/۶/۱۴

۱ تاریخ وصول: ۹۸/۳/۱۹

^۲ h.alipoor.1399@gmail.com

^۳ mehdifamoori@gmail.com

^۴ asatirpars@yahoo.com

ایفای نقش می‌کنند و تجربه‌های گذشته را به این دوران انتقال می‌دهند. هدف از نوشتن این مقاله، بررسی ویژگی‌های سبکی و معرفی نسخه خطی این منظومه حماسی است و محقق به دنبال جواب این پرسش است که ویژگی‌های شاخص سبکی دیوان حسن آتشی چیست؟ روش کار، توصیفی تحلیلی و از نوع کتابخانه‌ای است. حاصل پژوهش نشان می‌دهد شعر آتشی در سطح فکری به منقبت پیامبر^(ص) و امام علی^(ع)، اشاره به اساطیر ایرانی، منقبت ائمه، روحیه حماسی، استناد به آیات و احادیث می‌پردازد. در سطح زبانی نیز ویژگی‌های تسکین متحرک، کاربرد الف اطلاق، تخفیف واژه و به کار بردن واژه‌های عربی دیده می‌شود. در حوزه بیان، بدیع، انواع آرایه‌های ادبی (تشبیه، ایهام، مجاز، استعاره، جناس و...) در شعر آتشی یافت می‌شود.

واژه‌های کلیدی

حسن آتشی، سبک‌شناسی، نسخ خطی، شعر، جنگ‌نامه.

۱. مقدمه

حفظ و احیای میراث علما و فضلا و نویسندگان ادوار گذشته که در حقیقت حاصل تلاش بزرگان یک سرزمین در سال‌های زیادی به حساب می‌آید، از وظایف هر ملتی است؛ زیرا مطالعه این کتب به‌عنوان اسنادی معتبر و ارزشمند، ضامن شناخت افکار و اوضاع اجتماعی و فرهنگی و روش نگارش گذشتگان و الگوبرداری از محاسن آنها و جلوگیری از تکرار و تقلید است. می‌توان گفت که تمدن هر قومی مایه سربلندی و ارزشمندی آن قوم است که هرچه پیشینه و قدمت آن قدیمی‌تر باشد، فرهیختگی آن ملت بیشتر خواهد بود. بدون شک در طول تاریخ، برپایی و ایستایی یک جامعه فرهنگی وابستگی بی‌واسطه‌ای با ادبا، علما و بزرگان و امرای دانش‌دوست آن دارد. بررسی در این زمینه نشان می‌دهد که سرزمین ایران

از این بابت بسیار غنی و پر بار است و در همه اعصار، در حوزه‌های علمی و ادبی و تاریخی، دانشمندان و ادیبانی تربیت شده که آثاری ماندگار به یادگار گذاشته‌اند. نسخه خطی، میراث فرهنگی ملت‌ها محسوب می‌شوند که نماد بسیار مهم غنای فرهنگی و بیانگر تلاش مردم یک کشور در گردآوری و حفظ دستاوردهای فکری، علمی و تاریخی آن سرزمین است. از این منظر می‌توان بیان داشت که نسخه خطی باقی‌مانده از ادوار گذشته در واقع از عوامل اصلی نقل و انتقال دانش و تجربیات بشری به حساب می‌آیند که خوشبختانه سرزمین ایران در این زمینه پیشتاز است. از این رو در مطالعات و تحقیقات تاریخی، ادبی، دینی، فرهنگی و قومی نقش مهمی دارند. «نسخه‌های خطی در عرصه هر زبان، سند هویت آن زبان و ابزار انتقال دانش و فرهنگ از نسلی به نسل دیگر است. نظر به اینکه این آثار طی زمان با خطر دگرگونی و فراموشی مواجه‌اند، ضروری است که از طریق دانش نقد و تصحیح متون غبار فراموشی و نابودی را از چهره آن‌ها بزداییم و به‌صورتی مقبول به آیندگان عرضه داریم» (نیکویخت و رنجبران، ۱۳۸۷: ۱۳۲). از طرف دیگر می‌توان بیان داشت که در حقیقت فن تصحیح متون از آنجاست که «مقدمه‌ای برای هر گونه ارزیابی انتقادی است» (دیچز، ۱۳۳۶: ۵۰۲). جنگ‌نامه سروده میرزا حسن آتشی، منظومه‌ای به فارسی، در نبردهای امام علی^(ع) و مناقب امامان شیعه است. این منظومه که تاریخ سرودن آن به درستی معلوم نیست، در شمار حماسه‌های دینی است و نیمی از آن در بحر متقارب و نیم دیگر در قالب قصیده است. این گونه آثار حماسی که گاه با عناصری از افسانه، تاریخ و اسطوره در هم آمیخته‌اند، فصل شورانگیزی از ادبیات فارسی را به خود اختصاص داده‌اند. بر همین اساس، جنگ‌نامه آتشی حاوی منظومه‌هایی با عناوین جنگ‌نامه محمد بن علی، جنگ‌نامه علی^(ع)، در بئر‌العلم با جنیان، جنگ ادهم بامکید، داستان غزای تبوک و گریختن لشکر از ضرب ذوالفقار، داستان جنگ حیدر کرار با ذوالخمار، داستان شاه ولایت و سر بخشیدن به رعد مغربی، غزای شاه ولایت با مهلهل و مخلخل و داستان جنگ حیدر کرار با سلاسل ملعون است. شاعر به شرح مفصل هریک از این حوادث و وقایع پرداخته است.

نویسنده در این مقاله سعی دارد ضمن معرفی نسخه‌های خطی جنگ‌نامه حسن آتشی، آن را از جهت ویژگی‌های سبک بررسی و شاخصه‌های سبکی آن را مشخص کند.

۱-۱. پیشینه تحقیق

درباره میرزا حسن آتشی و دیوان اشعار وی تاکنون کار مستقل و جامعی صورت نگرفته است.

۲-۱. ضرورت و اهمیت تحقیق

انجام این تحقیق از وجوه مختلفی دارای اهمیت است. اول اینکه این نسخه تا به حال تصحیح و معرفی نشده و برای دوستداران شعر و ادب فارسی ناشناخته مانده، و دوم اینکه این جنگ‌نامه از نظر زیبایی‌های ادبی و صنایع بلاغی، درخور توجه است. همین مسئله نگارنده را بر آن داشته است تا به صورت جامع و مفصل به این تحقیق بپردازد. در این میان می‌توان گفت که شعر هر شاعر در واقع از تراوش تفکر و اندیشه و نوع نگاه او به جهان پیرامونش شکل می‌گیرد که در قالب آثار ادبی و ساختار و مضمونی شاعرانه بر صفحه و کاغذ نقش می‌بندد. از آنجا که هر شاعر و نویسنده‌ای در خلق آثار خویش سبک و بیان خاص خودش را دارد، می‌توان گفت آثار هنری به وجود آمده نوع جهان‌بینی، سبک و بیان هر کدام از آن‌ها را درون خود گنجانده است. پژوهش و بررسی اشعار شاعران حوزه شعر فارسی به نوع سبک و بیان و دیگر جنبه‌های زیباشناختی این آثار منتج خواهد شد. از آنجا که دیوان حسن آتشی از جنبه زیباشناختی و سبک و بیان، جایگاه ویژه‌ای دارد، این پژوهش می‌تواند آن را از این لحاظ مورد بررسی و پژوهش قرار دهد تا سایر پژوهندگان بتوانند از آن بهره‌مند شود.

۲. نگرشی بر حماسه و حماسه‌های دینی

حماسه نوعی شعر وصفی است که به توصیف اعمال پهلوانی و مردانگی‌ها و افتخارات و ویژگی‌های قومی و یا فردی می‌پردازد. «حماسه» در لغت از واژه «حمس» به معنای «دلیری و شجاعت» است (معلوف، ۱۳۸۰: ج ۱، ۳۳۰). این واژه علاوه بر معنای لغوی در اصطلاح

ادبیات و اشعار فارسی، اثری داستانی - روایتی است که با زمینه‌ای قهرمانی و رنگ قومی و ملی و یا خیالی، با سبکی فاخر نگاشته می‌شود. قهرمان حماسه از خصوصیت‌های فوق طبیعی برخوردار است و دارای نیروی جسمانی و نیز درونی و معنوی فوق بشری است و در طی حوادث مختلف با نیروهای شیطانی یا قهرمان‌هایی که آن‌ها نیز دارای خصوصیات فوق بشری هستند، درگیر می‌شود. حوادث حماسه، در فضایی که از نظر زمانی بسیار دور است، می‌گذرد و عرصه آن بسیار وسیع است و با آنکه اغلب حماسه‌ها جنبه ملی و قومی دارند، گاه صحنه حوادث آن‌ها کل جهان، حتی جهان زیرزمینی و فرازمینی را نیز در بر می‌گیرد (نک: رستگارفسایی، ۱۳۸۰: ۵۰).

۳. شرح حال میرزا حسن آتشی

درباره شرح حال میرزا حسن آتشی اطلاعات چندانی در دست نیست. در کتاب *اثرآفرینان* (زندگینامه نام‌آوران فرهنگی ایران، از آغاز تا سال ۱۳۰۰ هجری شمسی) نویسنده به نقل از صفا می‌نویسد: «آتشی، میرزا حسن (سده سیزدهم ق)، شاعر حماسه‌سرا. از احوالش اطلاعی در دست نیست. اثر وی جنگ‌نامه‌ای است حاوی منظومه‌هایی با عناوین جنگ‌نامه محمد بن علی، جنگ‌نامه حضرت علی، جنگ ادهم با مکید، داستان غزای تبوک و گریختن لشکر از ضرب ذوالفقار. این داستان‌ها همه دارای جنبه حماسی کامل است» (نصیری، ۱۳۸۴: ج ۱، ۴).

میرزا حسن، شاعر سده ۱۳ق/ ۱۹م، که خود را سلمی، سلیمی، عبدی و قاسم نیز می‌نامید (آتشی، بی تا الف: ج ۷، ۳۴۶؛ منزوی، ۱۳۴۸: ج ۷، ۲۷۴۷ و ج ۴، ۲۷۴۸). وی سراینده منظومه‌ای به نام جنگ‌نامه، در شرح نبردهای حضرت علی^(ع) و مناقب ائمه شیعه است. بخشی از این منظومه، مثنوی و در بحر متقارب و بخشی دیگر به صورت قصاید سست و مفصل است (صفا، ۱۳۸۴: ۳۹۰؛ آستان قدس، ج ۷، ۳۴۶ و ۳۴۷). شاعر در تاریخ سرودن این منظومه به سال‌های مختلف از آن جمله ۸۸۰، ۱۱۸۸ و ۱۲۵۵ق/ ۱۴۷۶، ۱۷۷۵، ۱۸۴۰م اشاره کرده است که این

پریشان‌گویی وی را، برخی دلیل بر اختلال حواس او دانسته‌اند (آستان قدس، ۷/۳۴۷). نسخه خطی این منظومه در کتابخانه آستان قدس در مشهد موجود است (آتشی، بی تا الف: ج ۷، ۳۴۶ و ۳۴۷). صفا به چاپ سنگی این منظومه در ۱۲۷۱ق/۱۸۵۴م اشاره کرده است (صفا، ۱۳۸۴: ۳۹۰). احمد گلچین معانی در زیر این نسخه در فهرست آستان قدس، نام کوچک آتشی را «میرزا حسن» نوشته است و قضاوتی درباره او و شعرش دارد (۱۳۴۶: ج ۷، ۳۱۹ و ۳۴۶). «میرزا حسن المتخلص فی شعره به آتشی، شاعر ایرانی عاشق فی القرن الثالث عشر الهجری، له منظونه باسم (جنگ‌نامه) و هی فی وصف حروب علی^(ع) و مناقب الائمة الاثنی عشر. قسم من هذه المنظومة من نوع المثنوی و فی البحر المتقارب و القسم الآخر قصائد طویلہ علی کثیر من الضعف. توجد نسخه خطبه من هذه المنظومة فی مكتبة الامام الرضا^(ع) به مشهد و قد طبعت طبعه هجرية سنة ۱۲۷۱» (امین، ۱۴۰۸ق: ج ۷، ۱۰۱).

۴. بحث و بررسی

مهم‌ترین شاخصه شعر آتشی، سادگی لفظ و معنای آن است که کمتر به شرح و تفسیر نیاز دارد، تا جایی که می‌توان ویژگی‌های سبک خراسانی را از این منظر در آن یافت؛ با این تفاوت که شاعر از واژه‌های مهجور کمتر استفاده کرده و در مقابل درصد واژه‌های عربی به دلیل مفاهیم دینی در آن بالاست و این موضوع متأثر از سبک بازگشت ادبی است که شاعر می‌کوشد از شاعران سلف خویش تقلید کند؛ لذا بسیاری از قوافی شعر خود از واژه‌های عربی استفاده کرده است. تشبیهات به کار برده شده در این جنگ‌نامه نیز بیشتر حسی به حسی است.

۴-۱. معرفی نسخ خطی دیوان آتشی

از دیوان میرزا حسن آتشی دو نسخه در دسترس است. یک نسخه با شماره ثبت ۱۴۴۶ در کتابخانه جامع گوهرشاد موجود است که تاریخ تحریر آن در مشخصات ابتدای نسخه ۱۲۲۵ق آمده، ولی در پایان نسخه، تاریخ اتمامش را ۱۲۵۰ق ذکر کرده، دارای ۳۳۵ برگ و

در هر برگ ۱۸ بیت نوشته شده که با این حساب در حدود ۶۰۰۰ بیت است.
آغاز نسخه:

ابتدا کردم به نام خالق پروردگار صانع ارض و سما و جاعل لیل و نهار

پایان نسخه:

از بار جوشن او پشت فلک تنومند وز تیغ روشن او روی فلک منور

کاتب آن مشخص نشده و با توجه به رسم‌الخط آن در صفحات مختلف، به نظر می‌رسد که بیش از یک کاتب داشته است. از یک خط مشخص استفاده نشده و بسیار بدخط بوده و به صورت مبتدی نگارش یافته است. در این نسخه برخی از لغات و اصطلاحات به‌نحو خاصی ضبط شده‌اند. برای مثال «خورشید» را به صورت «خُرشید» نوشته که اگرچه غلط نیست، منظور نویسنده همان «خورشید» است و به نظر می‌رسد که رسم‌الخط قدیمی «خورشید» است. در این نسخه ۲۹ قصیده و یک مخمس ثبت شده است. شایان ذکر است که در این مقاله تمام ابیات از دیوان میرزا حسن آتشی (بی‌تا)، نسخه خطی کتابخانه جامع گوهرشاد آستان قدس استفاده شده است.

برخی از ویژگی‌های رسم‌الخطی این نسخه عبارت‌اند از:

در بیشتر موارد حرف اضافه «به» به کلمه بعد از خود چسبیده است:

شد پیاده پای نخل نشست اسب خود را بزین فکند عیان

(آتشی، بی‌تا ج: ۶۲)

بساعت (همان: ۷)، بزمین (به زمین)، بزیر (به زیر)،

همچنین متصل شدن «را» مفعولی به واژه قبل از خود نیز از ویژگی‌های رسم‌الخط این

نسخه است:

بانگ بر زد که ای محمد جادویرا ترک کن چند گویی که اینچنینم آنچنانم، شرم دار

(همان: ۶)

گمراهانرا (همان: ۷)، هندیرا (همان: ۱۱)، دخترمرا (همان: ۱۲)

در بیشتر جاهای نسخه، «می» استمراری و مضارع جدا از فعل نیست و به آن‌ها چسبیده است:

کز نهیب یلان آن قلعه می‌شود آب زهره شیران
(همان: ۶۱)

میرساند (همان: ۷)، می‌گشاید، میکند، میشود (همان: ۸)
سرهم‌نویسی واژه‌ها هم در این نسخه امری کاملاً مرسوم است. بنابراین در این نسخه بسیاری از واژه‌ها سرهم نوشته شده‌اند:

چون شنید آن گبر بر شاه ولایت حمله کرد نیزه را بر شاه‌مردان راست کرد آن کینه‌دار
(همان: ۱۰)

آنقوت (همان: ۱۱)

در کل، در این نسخه حرف «گ» استفاده نشده و همه‌جا به جای آن «ک» آمده است:
شاه گفتا قول ایشان راستست که آمدم اینجا برای دفع مار
(همان: ۳۰)

بانک (بانگ)، بازکرد (بازگرد)، کرک (گرگ)،

– آوردن «ء» به جای «ای» هم دیگر ویژگی است که در این نسخه مشاهده می‌شود:
با تکاور گشته در فولاد و آهن ناپدید نیزه بگرفته بود در دست مانند چنار
(همان: ۱۰)

یکی خیمه دید تنها زده بر آن سبز نزدیکی مرغزار
(همان: ۷۶)

در تمام نسخه «چ» و «پ» با یک نقطه آمده‌اند: جاه (چاه)، بنداری (پنداری)
در این نسخه، تعداد زیادی اغلاط املائی نیز یافت می‌شود: غضب (غضب) (همان: ۱۰)،
برخواست (برخاست) (همان: ۱۸)

در برخی ابیات هم تعقید لفظی وجود دارد:

بعد مهمانی علی را عذر خواست مرتضی شد جانب یثرب دیار
(همان: ۴۲)

تلفظ مهجور و قدیمی واژه‌ها: هامانا (هامانا)، هاموار (هموار):

هامانا هست کلب پادشاهی که جُلش اطلس است و نو و زرگار
(همان: ۱۸)

هست فرمان خدا ای صدر بدر کائنات تا شوی سوی یمن با لشکر خود هاموار
(همان: ۱۲)

در تمام نسخه، واژه «مؤمن» به صورت «مئومن» و «امیرالمؤمنین» به صورت «امیرالمئومنین» نوشته و «همچو» به صورت «همچه» ضبط شده است. آوردن فعل «نوشتید» برای خوردن خرما هم در این نسخه جای تأمل دارد:

علی خرما همی نوشتید و سلمان بخیه بر خرجه همی زد وصله را از بهر پوشش پیر نورانی
علی زان دانه خرما یکی زد بر تن سلمان ز روی شوق و هشیاری، نه از بازی و نادانی
(همان: ۳۱۱)

نسخه دوم از دیوان آتشی با شماره ثبت ۸۱۷۷ در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است که دارای ۱۳۲ برگ و در هر برگ ۱۵ بیت گنجانده شده که با این حساب، دارای ۱۹۸۰ بیت می‌باشد که البته نسخه کاملی نیست و با نسخه اول در تعداد ابیات و حتی قصاید با هم اختلاف دارند. به خط نستعلیق نگارش یافته، کاتب آن مشخص نیست و حتی سال تحریر آن هم معلوم نشده است. بسیار خوش خط و زیبا نوشته شده و غلط املایی ندارد.
آغاز نسخه:

فرمود نبی پیش بیا ای شه‌مردان شد پیش نبی والی داد و شه صفدر
پایان نسخه:

یارب یارب بحق شاه علی موسی رضا یارب یارب بحق آن تقی شاه با وقار
در این نسخه هم سرهم‌نویسی کلمات مثل نسخه اول است و بیشتر کلمات سرهم

نوشته شده‌اند. حروف /چ/ و /پ/ برعکس نسخه اول که با یک نقطه نوشته شده بودند، درست نوشته شده‌اند. اما /گ/ همه‌جا به صورت /ک/ آمده است.

۲-۴. بررسی جنبه‌های حماسی جنگ‌نامه آتشی

جنگ‌نامه حسن آتشی حماسه‌ای دینی و مصنوع است که بخشی در قالب مثنوی و در بحر متقارب و بخشی دیگر در قالب قصیده سروده شده است. آنچه مسلم است اینکه در جنگ‌نامه آتشی جنبه تقلیدی بسیار مشهود است و شاعر از حماسه‌هایی که قبل از آن سروده شده و حتی از شاهنامه فردوسی تقلید کرده است و استفاده از واژه‌های مهجور و قدیمی با توجه به اینکه این جنگ‌نامه در سده سیزدهم سروده شده، بر این امر صحه می‌گذارد. در این حماسه می‌توان ویژگی‌های یک حماسه کامل را یافت. اولین و بارزترین مشخصه آن روایی و داستانی بودن آن است. در جنگ‌هایی که بین سپاه اسلام و کفار رخ می‌دهد، اصل ماجرا در قالب توصیف و روایت، زنجیروار از وقایع پی در پی نمایش داده می‌شود. در سلسله جنگ‌ها و حوادثی که بروز می‌کند، سپاه اسلام به فرماندهی علی^(ع) برای رفع مشکل و گرفتاری و یا مطیع ساختن گروهی به یک منطقه لشکرکشی می‌کنند و بعد از پیروزی و محقق شدن اهداف، به مدینه بازمی‌گردند. در جریان غزوه خیبر چنین آمده است:

فرمود که امر است ز یزدان که همین دم با جمله اصحاب روی جانب خیبر
با خیبریان گوی که گردند مسلمان هر کس که سر از حکم بیچد، بیرش سر
(آتشی، بی تا ج: ۶۶)

در حماسه‌ها معمولاً زمان و مکان نامحدود است و بسیاری از مکان‌های جغرافیایی فاقد پیشینه تاریخی هستند. حتی شخصیت‌هایی که در حماسه‌ها نقش دارند، دارای عمرهای طولانی و غیرمتعارف هستند، همچنان که رستم در شاهنامه از عمر طولانی برخوردار است، در جنگ‌نامه آتشی، سلمان بیش از سیصد سال می‌زید:

مرا عمر اندرین عالم گذشت از سیصد و سی سال تو این دم کودک خردی، درخور دبستانی

(همان: ۱۵۸)

ویژگی دیگری از حماسه که در این جنگ‌نامه مشهود است، وجود یک قهرمان بلامنازع می‌باشد که در تمام جنگ‌ها بر موانع پیش رو، اعم از پهلوانان، گردان، ازدها و دیو و... غلبه می‌کند و همیشه هم پیروز میدان است. علی^(ع) در جنگ‌هایی که بین او و دشمنان رخ می‌دهد، بدون در نظر گرفتن جنبه دینی وی، با رستم شاهنامه پهلوی می‌زند و دلدل علی^(ع) هم در حقیقت نقش رخس رستم را بازی می‌کند:

زین کرد به ساعت شه دین، دلدل خود را بر بست روان تیغ دو سر را به کمر بر

(همان: ۶۷)

حتی رجزخوانی‌های قهرمانان در این حماسه بسیار قابل توجه است. عبکید کافر از جمله پهلوانانی است که در غزوه خیبر، این گونه در مقابل سپاه مسلمانان رجز می‌خواند:

گفتا که منم عبکید یل که به پیکار چون من نبود در همه عالم یکی دگر
خواهم که یکی مرد به میدان من آید کو را بود اصل و نسب و قوت و هم فر
که امروز نمایم هنری چند ز بازوی تا نیک بدانند مرا کهتر و مهتر

(همان: ۶۹)

و حضرت علی^(ع) هم که مقابل او قرار می‌گیرد، چنین عرض اندام می‌کند:

زد بانگ سوی عبکید و گفت: که ای گبر ایمان به خدا و به نبی زود بیاور
ورنه که سر شوم تو را ای سگ عادی از حنجره تن بیرم زود به خنجر

(همان‌جا)

کارهای خارق‌العاده نیز در این حماسه کم نیست که البته بیشتر جنبه معنوی و دینی دارد و به کمک امداد الهی صورت می‌گیرد. کندن در قلعه خیبر و طی الارض از جمله آنهاست:

با امیر المؤمنین حیدر، بگفت: ای شاه دین هشت ماهی تا که من ره می‌روم، لیل [و] نهار
این زمان بیرون شدیم از یترب و این مغرب است باز گو شاهها! که حیرانم در این گفت [و] گذار

چون علی بشنید، گفتا طی ارضم داده است از عطا و رحمت خود، خالق پروردگار
(همان: ۱۰)

یکی از کارهای خارق‌العاده در این حماسه آن است که معمولاً پیامبر^(ص) در حالی که در مدینه قرار دارد، سپاه اسلام را با امداد الهی رصد می‌کند و ضمن راهنمایی کردن، آن‌ها را از خطرات بر حذر می‌دارد و حتی به کمک آن‌ها می‌شتابد:

خواست تا زخمی زند بر شاه مردان کز قضا بود در مسجد نبی با جمله اصحاب کبار
که آمد از حق جبرئیل و با رسول‌الله گفت: یا نبی! بر بام مسجد رو، علی را کن نظار
کز برای حق سر خود را به دشمن داده است چون رسول هاشمی بشنید، شد بی اختیار
رفت با شهزادها بر بام مسجد، مصطفی دید حیدر را نشسته زیر تیغ آبدار
(همان: ۹)

یکی از ابزارهای کارساز در نبردهای علی^(ع) و کفار نعره‌های اوست که نه تنها دشمنان، بلکه قلعه‌ها را نیز به لرزه درمی‌آورد و این موضوع می‌تواند از جنبه‌های اغراق‌آمیز حماسه نیز به حساب آید:

شد به پیش کافران و زد چنان یک نعره‌ای که آسمان در جنبش آمد با زمین و کوهسار
آنچنان زد نعره‌ای حیدر که لشکر رم گرفت چون رمد صد گله گور از یکی شیر شکار
(همان: ۵۲)

(همان: ۷۳)

دعا در این حماسه، همچون دیگر حماسه‌های دینی نقشی اساسی در پیروزی و فتح مسلمانان دارد و در بسیاری از جنگ‌ها با دعا، پهلوانان و قهرمانان کفار خلع سلاح می‌شوند. در داستانی که علی^(ع) سر خویش را به دشمن می‌بخشد:

گفت: یا رب! ابن عمّم را نگه داری ز تیغ این قضا را بگذران، ای خالق پروردگار
چون نبی کرد این دعا را، دستِ رعد اندر هوا خشک گشت و گفت: شاه! دستِ تیغم شد ز کار

(همان: ۹)

۱-۲-۴. روحیه حماسی

لشکری دارم مکمل غرق از آلات رزم
گر نهنگ و اژدها گردد، نخواهد جان برد
از دلیران و سپه‌داران مغرب صد هزار
زین سپاه پردل نام‌آور خنجرگذار
(همان: برگ ۱۶)

جملگی بودند با خفتان و گرز و ساعدین
چون علی‌المرتضی دید، آنچنان زد نعره [ای]
هر یکی با نیزه و شمشیر و گرز گاو‌سار
در هزیمت شد سپاه بی‌شمار از هر کنار
ده هزار از مرد [و] مرکب بیشتر مردند زار
مرکبان بر روی یکدیگر فتادند از نهیب
(همان: ۱۶)

خون بریزم آن قدر کز جایت از سوی بحر
دست از کشتن نگیرم به اذن دادگر
رود خون گردد روان مانند سیل نوبهار
تا بگردد آسیا بر خون ایشان چون مدار
(همان: برگ ۵۲)

ذوالفقار شاه‌مردان در میان بودی سه گز
چون بیفشاندی شدی هفتاد گز غزا
چون کشیدی هفت گز گشتی به حکم کردگار
سر بریدی از کمر هفتاد تن را چون چنار
(همان: برگ ۵۲)

۲-۲-۴. اشاره به اساطیر ایرانی

آتشی همچون شاعران سلف خویش از اطلاعات کافی در زمینه‌های مختلف برخوردار بوده و نه تنها بر علوم متداول زمان خود، بلکه با مطالعه آثار گذشتگان بر اساطیر ایران نیز احاطه داشته و یا مطالعاتی در این زمینه داشته است. آتشی در کنار تسلط بر امور زمان خود، داستان‌های اساطیر ایران را نیز می‌شناخته است. وی در اشعار خویش هر کجا که مضامین و محتوا اقتضا می‌کرده، از شخصیت‌های اساطیری به‌خصوص در تشبیهات خود سود می‌جسته است:

خسرو بربر زمین را گفت او نبود غلام
زیدش صد بنده همچون رستم و اسفندیار

(همان: ۷۱)

گر بخوانم بی‌گمان بر خنگ رستم وصف تو لرزد از هیبت روان رستم داستان زال

(همان: ۳۰۹)

۳-۴. لایه فکری

در این مرحله از کار، شعر از جهت ویژگی‌های فکری، روحيات، اعتقادات، گرایش‌ها، نوع نگرش به جهان و دیگر جنبه‌های فکری در بوته نقد قرار می‌گیرد. در این سطح به تک تک اجزا و عناصر فکری آتشی، در جنگ‌نامه که یک حماسه دینی است، پرداخته می‌شود.

۳-۴-۱. منقبت پیامبر (ص) و حضرت علی (ع)

شاه مردان، شیر یزدان، شحنه دشت نجف هادی دین، ساقی کوثر، قسیم نور و نار
عالم علم شریعت، سرور اهل طریق عارف سر حقیقت، صاحب حلم و وقار
(آتشی، بی‌تاج: ۱۰)

آن‌گزین انبیا و بهترین اتقیا مصطفی و مجتبی و مقتدای کامکار
آنکه ایزد در کلام خویش خواندش بوالبشر وانکه آدم را بدو باشد هزاران افتخار
گوهر بحر شریعت، هادی اهل یقین در دریای حقیقت، معدن حلم و وقار
آن رسول هاشمی ابطحی، کز فضل حق هر زمان کردی به عالم معجزی را آشکار
(همان: ۳)

۳-۴-۲. اشاره به معجزات پیامبر (ص) و علی (ع)

یک ره انگشت شهادت را اشارت کن به مه تا ببینند قدرت ما را ز روی اعتبار
کرد اشارت مصطفی انگشت خود را در زمان سوی ماه چهارده، بر اوج این نیلی حصار
از اشارات بنان صدر بدر کائنات بر فلک قرص قمر شق شد به امر کردگار
(آتشی، بی‌تاج: برگ ۸)

جمله روی زمین دیدند آن عین‌الیقین معجز شق‌القمر با گردش لیل و نهار

(همان: برگ ۹)

چون ولی حق زمانی راند دلدل با جوان دیده‌ور ناگه که شد اقصای مغرب آشکار

(همان: برگ ۱۳)

با امیرالمؤمنین حیدر، بگفت: ای شاه دین!
این زمان بیرون شدیم از یثرب و این مغربست
چون علی بشنید، گفتا! طی ارضم داده است
هشت ماهی تا که من ره می‌روم، لیل [و] نهار
باز گو شاها! که حیرانم در این گفت و گذار
از عطا و رحمت خود، خالق پروردگار

(همان: برگ ۲۶۷)

خواست باری شاه دین از خالق جان آفرین
زد چنان شاه ولایت تیغ بر آن فرق کوه
نیمه‌ای افتاد از آن سنگ در دره‌ای
برکشید آن مظهر کل عجایب ذوالفقار
شد دو نیمه تا کمر چون لام الف آن کوهسار
دره را یکسر شده با کوه خارا هاموار

(همان: ۷۰)

۳-۳-۴. استناد به آیات قرآن و احادیث

حسن آتشی نیز همچون شاعران عارف‌مسلک سلف خویش، سعی بر آن داشته که آیات قرآن و احادیث را مورد توجه قرار دهد و آن‌ها را به‌طور اقتباس یا تلمیح و یا به‌صورت مشروح در اشعار خویش بگنجانند. وی قصد داشته است برای غنای فرهنگی و ادبی اشعار خود به آن رنگ و بوی مذهبی ببخشد.

گفته در وصف جوانمردی و تیغم، جبرئیل لا فتی الّا علی، لاسیف الّا ذوالفقار

(همان: برگ ۱۵)

در جنگ احد، هنگامی که از اطراف به پیامبر^(ص) حمله می‌شد، حضرت علی^(ع) به فرمان پیامبر^(ص) به آنان حمله می‌کرد. جبرئیل نازل شد و روحیه جوانمردی امام علی^(ع) را ستایش نمود. رسول خدا^(ص) جبرئیل را تصدیق کرد و گفت: من از علی هستم و او از من است. سپس صدایی در آسمان پیچید که «لا سیف الّا ذوالفقار، و لا فتی الّا علی» (نک: طبری،

۱۳۶۲: ج ۳، ۲۷).

راوی این داستان معتبر سلمان بود آنکه او را انت منی خواند سید چند بار

(آتشی: برگ ۶۶)

پیامبر اکرم^(ص) خطاب به علی^(ع) فرمود: «أنت منی بمنزلة هارون من موسى، إلا أنه لانبی بعدی؛ تو نسبت به من به منزله هارون نسبت به موسی هستی؛ جز اینکه بعد از من پیامبری نخواهد بود.»

بی شریک و بی وزیر و بی امیر و بی نذیر بی انیس و بی زن و فرزند و بی خویش و تبار

(همان: ۱)

«قل هو الله احد»، یعنی بگو ای محمد^(ص) که خداوند، خدایی است یگانه. «الله الصمد»، یعنی خدایی که از تمام موجودات بی نیاز است. «لم یلد و لم یولد»، فرزند ندارد و فرزند کسی نیست. «و لم یکن له کفوا احد»، یعنی هیچ کس از مخلوقات مثل او نیست.

فاتح الفتی که باب رحمتش از هر طرف بر رخ ما برگشوده از یمین و از یسار

(همان: ۱)

رحمت الهی واسع است و شامل هر چیزی می شود: «و رَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ» (اعراف: ۱۵۶).

خالق الخلقی که بعد از نور پاک مصطفی آفریده عرش و فرش و گنبد نیلی حصار

(آتشی، بی تا ج: ۱)

«اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ مَا لَكُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا شَفِيعٍ أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ» (سجده: ۴).

۴-۳-۴. اصطلاحات و باورهای عامیانه

وی همچنین برخی از باورهای عامیانه را در شعر ذکر کرده است:

تاخت شیر حق چو کز نعل سَمِّ دلدلش در تراز شد زمین گاو ماهی بحار

(همان: ۵۲)

«گاوزمین» در افسانه‌های ایرانی و در باورهای مردمی با گاو در اساطیر ایران باستان پیوند دارد (پورداوود، ۱۳۷۷: ۳۷۲) که در این باور، زمین روی شاخ گاوی قرار دارد و گاو بر پشت ماهی بزرگ ایستاده است و هرگاه گاو خسته می‌شود، زمین را از شاخی به شاخی دیگر می‌افکند و زمین‌لرزه پدید می‌آید.

۴-۳-۵. توصیف

زهره‌رویی، مه‌جینی، مشتری‌سیما که آفتاب از شرم رخسارش بگردد شرمسار

(همان: ۱۱)

آوردن واژه «روان» در معنی «سریع و تند»

شاه چون بشنید از دلدل فرود آمد روان بر سر زانو نشست آن سرور اهل کبار

(همان: ۱۱)

پدر بداد کلیدش که دوستش می‌داشت روان بیامد و بگشود گنج زر را سر

(همان: ۱۰۰)

روان بر بود رحل از پیش افکند بزد بر گردن رعد جفاکار

(همان: ۲۳)

۴-۴. لایه زبانی

در این سطح از سبک‌شناسی، مسائل مختلف مربوط به حوزه زبان بررسی می‌شود.

۴-۴-۱. لایه آوایی

۴-۴-۱-۱. تسکین متحرک

این ویژگی در *جنگ‌نامه آتشی بسامد بالایی* دارد. شاعر برای رعایت وزن شعر، در بسیاری مواقع متحرک‌ها را ساکن می‌کند:

گردد عبدالله بگرفتند زود صد غلام دیوشکل غول‌سار

(همان: برگ ۵۹)

گفت عبدالله که هستی مادرم کی گذارم گر مرا بکشند زار

(همان: ۶۰)

روان بر بود رحل از پیش افکند بزد بر گردن رعد جفاکار

(همان: ۴۲)

نمودی دستبردی خویشتن را جزایی بدهمت اکنون سزوار

(همان)

شاه دلدل را به سوی خسرو مغرب براند تاخت همچون باد، بگرفتش کمر بند استوار

(همان: ۱۶)

۲-۱-۴-۴. تشدید مخفف

یعنی مشدد کردن حرفی که در اصل بدون تشدید است. این ویژگی نیز به اقتضای وزن شعر و در حقیقت برای رعایت وزن شعر اعمال می‌شود:

از سر تعظیم عزت بر سر شاه رسل پس زده در پر ملائک صد هزار اندر هزار

(همان: ۵)

بس که از گردون وزان شد باد گرم مرغ تن را ریخت از تاب خدنگش پر و بال

(همان: ۳۰۶)

۳-۱-۴-۴. تخفیف واژه (حذف)

گاهی شاعر به ضرورت شعری و برای رعایت وزن آن، یک یا چند حرف از کلمه را حذف می‌کند:

دلدل شه با علی می‌راند بی‌زین و لگام دید کز صحرا برآمد ناگهان گرد و غبار

(همان: برگ ۹)

چه (چاه)، سیه (سیاه)، ره (راه)

۲-۴-۴. لایه لغوی (صرف)

۴-۲-۱. به کار بردن واژه‌ها و اصطلاحات دین عیسوی

آتشی از برخی از واژه‌های مسیحی نیز استفاده کرده است:

ناچخ و ناقوس ترسائی و زَنار حیب در جهان کردی ز سحر و ساحری بی اعتبار
(همان: ۴)

لشکری آمد به پیکار تو بیرون از حصار بت پرستان لعین و کافران زناردار
(همان: ۴۷)

پیش او بنشست در دم طیلسان در سر کشید صدر بدر کائنات و خواجه روز بدر
(همان: ۵۰)

۴-۲-۲. به کار بردن واژه‌های عربی

بسامد واژه‌های عربی در جنگ‌نامه آتشی تقریباً زیاد است:

تا کند پیکار با من عرض لشکر داده است عزم حرب مصطفی دارد لعین نابکار
(همان: ۶۷)

برانگیخت مرکب به آتش رسید بسی راند اسب اندران لیل و نار
(همان: ۷۵)

هر کجا نامه رسیدی، جمله مؤمن می‌شدند هر که بودی اهل آن شهر، از صغار و از کبار
(همان: ۹)

در هر صفحه به‌طور میانگین ۳۸ واژه عربی آمده که ۱۰/۱۸٪ واژه‌ها محسوب می‌شود.

۴-۲-۳. کاربرد «الف» زاید

اسپر فولاد را برید چون قرص پنیر درگذشت از سینه ناف کمر بند زهار
(همان: ۱۳)

ریخت از دست یلان اسلاح بر روی زمین شد عنان مرکبان، از دست افتادند خوار
(همان: ۱۶)

حق عرش و کرسی و استاره و خورشید و ماه حق افلاک و به حق گردش لیل و نهار

(همان: ۷)

رنگ زرد و دست و پای او ضعیف گردنش باریک و اشکم چون طغار

(همان: ۳۵)

گاه «الف» به آخر فعل «گفت» اضافه می‌شود و هیچ معنای خاصی ندارد:

شاه اسمی خواند بر دستش دمید و نیک گشت رعد را گفتا مترس! ضربتی محکم بیار

(همان: ۱۳)

بانگ زد بر شاه، گفتا زود برگو نام خویش پیش از آن ساعت که بر دستم بگردی کشته زار

(همان: ۱۱)

گفتا که سه تن در صف میدان برود زود باشد که ببرند مر او را ز بدن سر

(همان: ۱۳۳)

۴-۲-۴. جمع بستن اسم با «ان»

رفت جمهور با کسان در خواب شاهزاده نشست ذکرکنان

(همان: ۶۲)

نیستم جادو که لعنت بر جمیع جادوان بی‌گمان هستم رسول حضرت پروردگار

(همان: ۶)

به شکل قرص قمر ابروان جبین چو سهل چو لاله رنگ رخ آن کلاله سنبل تر

(همان: ۹۷)

۴-۲-۵. آوردن «اندر» به جای «در»

آتشی تحت تأثیر سبک خراسانی و به تقلید از شاعران این سبک، در ابیات بسیاری از

ابیات «اندر» به جای «در» استفاده کرده است:

نعره زد شاه بر میان جنی حمله کرد ذوالفقار اندر کف بر دلدل شه‌پا سوار

(همان: ۵۰)

دست از دستش کشید در زمان پای زنگی را گرفت اندر کنار

(همان: ب ۵۹)

شادمان بنشسته اندر مسجد بیت‌الحرام وقت پیشین بود و روز جمعه و فصل بهار

(همان: ۳)

۶-۲-۴-۴. «ابا» به جای «با»

این مورد در سبک خراسانی کم نیست و آتشی نیز استفاده کرده است:

گفت من بودم ابا سلطان دین شاه گفتش هرچه در آن رهگذار

(همان: ۶۳)

۷-۲-۴-۴. آوردن «ب» بر سر فعل ماضی

این بگفت و پیش حیدر باز ایمان تازه کرد با غلامان و کنیزان از صغار و از کبار

(همان: ۶۳)

بگفتم چون بدانستی بگفت آن جایگه بودم که حق دادت لیکن ملک و تاج و تخت سلطانی

(همان: ۳۱۵)

۸-۲-۴-۴. آوردن دو حرف اضافه برای یک متمم

فراز فیل نر صلصلال بن زال یکی گریزی دو پنصد من به کف در

(همان: ۱۷۹)

۳-۴-۴. لایه نحوی

کاربردهای کهن در محدوده افعال

علی و جعفر و شهزاده‌ها زود گرفتند قلعه را هشتند زودتر

(همان: ۲۴۵)

۱-۳-۴-۴. کاربرد فعل آغازین

نیزه و تیر از سپاه کفر باریدن گرفت هر طرف بر خیل دین چون ژاله در فصل بهار

(همان: ۴۸)

در زمان ابری عیان گردید باریدن گرفت آب خون هر سو روان گردید چون سیل بهار

(همان: ۵۳)

۴-۳-۲. الف منادا

گفت: جبارا! خداوندا! به اسم اعظمت هم بحق جمله کروبیانت هاموار

(آتشی، بی تا: ۶)

۴-۳-۳. کاربرد فعل نیشابوری

در دیوان آتشی افعال نیشابوری نیز دیده می‌شود. «یکی از گونه‌های ماضی نقلی آوردن اسم مفعول به حذف "ه" + "است" به حذف همزه است: شدستم، شدستی، شدست و این «است» همان «استات» پهلوی است چون این گونه ماضی نقلی در زبان مردم نیشابور معمول بود، بهار آن را افعال نیشابوری خوانده است» (شمیسا، ۱۳۷۳: ۳۳۳).

گفت روی شاه مرسل را به خواب دوش دیدستم چو ماه ده چهار

(همان: ۳۲)

دوست کرد به جهان یابد کمال زده مرد آن شنیدستی که باشد هر کمالی را زوال

(همان: ۳۰۷)

۴-۴-۴. لایه بلاغی

لایه بلاغی سهمی بسزا و شایسته در لایه‌های سبک‌شناسی آثار ادبی دارد. اصولاً شگردهای بلاغی که ماحصل ذهن خلاقانه و پویانگ شاعر و نویسنده اثر می‌باشد، می‌تواند در فرایند خوانش متن نیز حائز اهمیت باشد.

۴-۴-۱. قالب‌های شعری

حسن آتشی در دیوان اشعارش، طبع خویش را در قالب‌های قصیده و غزل آزموده است و این قالب‌ها به ترتیب از قالب‌های پرکاربرد در دیوان وی به شمار می‌آیند. آتشی در قصاید خود، ساختار قصیده را به خوبی رعایت کرده و از تشبیب، بیت تخلص، تنه اصلی و به جای دعای شریطه در حق ممدوح برای خود دعا کرده و از ائمه کمک گرفته تا خداوند

او را مورد بخشش و مغفرت قرار دهد. اکثر قصاید او از بیت تخلص نیز برخوردار است.

۴-۴-۲. موسیقی شعر

معمولاً وزن متناسب با حماسه «فعولن، فعولن، فعولن، فعول» (بحر متقارب مثنی مقصور/ محذوف) است و در منظومه‌هایی که بعد از شاهنامه و به تقلید از آن سروده شده، این موضوع را شاعران رعایت کرده‌اند. اما آتشی قسمت اعظم جنگ‌نامه را در قالب قصیده و در بحرهای رمل، هزج و مجتث سروده و کمتر از بحر متقارب بهره گرفته است. می‌توان گفت بحر متقارب به خاطر نسبت بیشتر هجاهای بلند به کوتاه متناسب‌ترین وزن برای سرودن حماسه است. قافیه و ردیف نیز نقشی مهم و اساسی در تداعی لحن حماسی ایفا می‌کند، لذا گزینش کلماتی برای قافیه و ردیف از طرف شاعر می‌تواند بر غنای موسیقی حماسی شعر بیفزاید. از بین ۳۱ قصیده حسن آتشی، تنها یک قصیده آن مردف است که ۲/۷ درصد قصاید وی را شامل می‌شود و این یک مورد هم ردیف فعلی «است» می‌باشد. استفاده از کلماتی با غنای بسیار برای قافیه که میزان حروف مشترک آن‌ها زیاد است نیز در سطح موسیقایی کلام مؤثر است: کبار، نظار، مسمار، زینهار، کرار و... . موسیقی درونی شعر، در حقیقت تنوع و تکرار در نظام آواهاست. موسیقی درونی ناشی از صنایع لفظی نظیر سجع، جناس، هجاآرایی و واج‌آرایی است که بر روی هم، بیشترین تأمین‌کننده موسیقی داخلی‌اند (حمیدیان، ۱۳۸۳: ۴۴۸) «از آنجا که مدار موسیقی (به معنی عام کلمه) بر تنوع و تکرار استوار است، هرکدام از جلوه‌های تنوع و تکرار، در نظام آواها که از مقوله موسیقی بیرونی (عروضی) و کناری (قافیه) نباشد، در حوزه مفهومی این نوع موسیقی قرار می‌گیرد؛ یعنی مجموعه هماهنگی‌هایی که از رهگذر وحدت یا تشابه یا تضاد صامت‌ها، مصوت‌ها در کلمات یک شعر پدید می‌آید» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۹: ۳۹۲). بررسی شعر آتشی نشان می‌دهد تمام گونه‌های موسیقی اعم از کناری، درونی و بیرونی در این جنگ‌نامه به‌طور دقیق نمود یافته است. اکثر واژه‌هایی که قافیه قرار گرفته‌اند، به هجای کشیده ختم می‌شوند که این موضوع با موسیقی حماسی جنگ‌نامه سازگاری بیشتری پیدا می‌کند.

۵-۴-۴. بیان

۱-۵-۴-۴. تشبیه

از جمله آرایه‌های پربسامد در دیوان آتشی، آرایه تشبیه است. وی تقریباً از انواع تشبیه در اشعار خویش سود جسته است. در اکثر تشبیهات، هر دو طرف تشبیه، حسی هستند:

همچو گل بشکفته بودی ماه رخس / قامتش بودی چو سرو جویبار
(آتشی، بی تا ج: ۵۸)

چون ابوجهل آن سخن‌ها از محمد گوش کرد / دل درون سینه‌اش لرزید، چون برگ چنار
(همان: ۲۶)

از حدیث شاه مرسل، تلخ شد کامش چو زهر / از سر خشم و غضب پیچید بر خود، همچو مار
ولی در خیلی از تشبیهات هم مشبه عقلی و مشبه به حسی است:

یوسف گم کرده خود از چه غفلت بر آر / گرگ‌نفس کافرت را در غل و زنجیر کش
(همان: ۵)

۱-۱-۵-۴-۴. تشبیه بلیغ

«تشبیهی که در آن نه وجه شبه ذکر شود و نه ادات تشبیه، تشبیه بلیغ نام دارد» (شمیسا، ۱۳۷۸: ۶۹).

گوهر بحر شریعت، هادی اهل یقین / درّ دریای حقیقت، معدن حلم و وقار
(همان: ۶)

در هزیمت شد ز هر سو لشکر مغرب زمین / در بیابان فنا گشتند گبران تار و مار
(همان: ۵۳)

باغ ایمان آتش شمشیر گبران خشک شد / آب دادی گلشن دین را به تیغ آبدار
(همان: ۵۵)

۲-۱-۵-۴-۴. تشبیه مفروق

در این نوع تشبیه، چند مشبه و مشبه‌به وجود دارد، اما هر مشبه با مشبه‌به خود همراه است:

گرچه هست این روز روشن چون رخت نسرین صفت

تو دعا کن تا شود چون طره‌ات سنبلی عذار

(همان: ۷)

ازدهایی گشته پیدا در بلاد

تن چو کوهست و دهانش همچو غار

(همان: ۳۱)

قدش همچون منار و سر چو گنبد

لبش چون گردو دندان چو تیشه

دو چشمش چون دو مشعل بود پر نار

(همان: ۴۶)

۳-۱-۵-۴-۴. تشبیه مضمیر

در ظاهر با تشبیهی روبه‌رو نیستیم، اما در ژرف‌ساخت آن یک تشبیه وجود دارد: هم به ساعت گشت پنهان ماه، سر زد آفتاب در زمان بگرفت عالم را به تیغ آبدار

(همان: ۸)

۲-۵-۴-۴. استعاره

در ژرف‌ساخت استعاره، تشبیه وجود دارد. هرگاه از چهار رکن تشبیه، سه رکن آن حذف شود و تنها مشبه یا مشبه‌به ذکر گردد، به آن استعاره می‌گویند.

صدر بدر انبیا بگشاد درج معرفت

از لب دُربار خود گوهر همی‌کردی نثار

(همان: ۵)

درج معرفت، استعاره از دهان پیامبر^(ص)

چون گل احمر شکفت اندر گلستان سپهر

ریخت در ساعت هزاران نرگس زرین ز بار

(همان: ۱۰)

از شعاع شعله خور در زمان شد ناپدید صد هزاران شمع سیمین بر سپهر زرنگار

(همان: ۹)

شمع سیمین استعاره از ستارگان

زورق سیمین ماه و کشتی زرین خور روز و شب کرده روان از روی حکمت بر بحار

(همان: ۱)

بحار در اینجا استعاره از آسمان‌ها

۴-۵-۳. کنایه

چون برین طاق زبرجد مشعل زر بر فروخت قاف تا قاف جهان را کرد روشن هاموار

(همان: ۱۰)

قاف تا قاف، کنایه از کل جهان

دامن خود در میان زد شاه دین سوی اژدرها روان شد برق‌وار

(همان: ۳۲)

دامن در میان زدن، معادل میان بستن، کنایه از آماده شدن

۴-۵-۴. مجاز

شمیسا در کتاب بیان درباره مجاز نوشته: «مجاز استعمال لفظ یا جمله در معنی غیر ما

ووضع له، به شرط وجود قرینه و علاقه است» (شمیسا، ۱۳۷۸ الف: ۴۵).

به نام آن خداوند جهان‌دار که مشت خاک را جان داد و گفتار

(همان: ۴۴)

مشت خاک مجازاً انسان به علاقه ماکان

قادری کز قطره آب آورد اندر وجود لعبتان سروقد و گلرخان سیمبر

(همان: ۱۱۱)

قطره آب، مجازاً انسان به علاقه ماکان

۶-۴-۴. بدیع

۱-۶-۴-۴. جناس

گرگانی می‌گوید: «جناس مصدر جانس یجانس به معنی هم جنس بودن است و مراد از آن شباهت دو کلمه است، در حروف و حرکات و خط و لفظ و بساطت و ترکیب، کلاً یا بعضاً» (گرگانی، ۱۳۷۷: ۲۰۱) و در تعریفی دیگر «تجنیس در لغت گونه‌گونه گردانیدن باشد و در اصطلاح عبارت است از استعمال الفاظ متشابه و کلمات متجانسه؛ یعنی شاعر ترکیبی کند از دو لفظ یا زیادت که در تلفظ یا کتابت از جنس یکدیگر باشند» (کاشفی سبزواری، ۱۳۶۹: ۸۶).

۲-۶-۴-۴. جناس ناقص افزایشی

در بین دو واژه، یکی نسبت به دیگری یک حرف اضافه دارد:

مقصد و مقصود عالم مصطفی است مقتدای شافع دارالقرار

(همان: ۲۲)

۳-۶-۴-۴. ایهام

واژه در بیت، دو معنی دارد که هر دو معنی آن با توجه به معنا و مفهوم بیت و در ارتباط با واژه‌های دیگر قابل برداشت است.

گفت عبدالله را که‌ای بی‌پدر از چه کشتی پهلوانم را به زار

(همان: ۶۰)

بی‌پدر: ۱. یتیم، ۲. توهین

۴-۶-۴-۴. تضاد (طباق)

«در اینجا بین معنی دو یا چند لفظ تناسب تضاد (تناسب منفی) باشد، یعنی کلمات از نظر معنی، عکس و ضد هم باشند» (شمیسا، ۱۳۷۸: ۸۹).

اهل روم و مصر و شام و مردم قدس و حلب گشته اندر مکه حاضر، از صغار از کیار

(همان: ۳)

سور و ماتم رنج و راحت شادی و غم با هم است نوش با نیش است گل با خوار مستی با خمار

(همان: ۵۰)

مردم بسیار از اطراف عالم جمع بود از گدا و پادشاه و مفلس و خیل و تبار

(همان: ۳)

۵-۶۴-۴. تلمیح

شاعر در ضمن شعر به داستان، آیه، حدیث، واقعه تاریخی اشاره می‌کند که کل مطلب در ذهن تداعی می‌شود. در تلمیح دو ژرف‌ساخت تشبیه و تناسب وجود دارد؛ زیرا اولاً ایجاد رابطه تشبیهی بین مطلب و داستانی است و ثانیاً بین اجزای داستان، تناسب وجود دارد:

بر فلک قرص قمر شق شد به امر کردگار از اشارات بنان صدر بدر کائنات

(همان: ۷)

اشاره به شق القمر پیامبر^(ص): «اَقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَاُنْشَقَّ الْقَمَرُ»: آن ساعت (قیامت یا قیام رسول حق) نزدیک آمد و ماه آسمان شکافته شد (این آیه راجع به شق القمر است که کفار از رسول اکرم درخواست کردند) (قمر: ۲).

باب شهرستان علم مصطفی و زوج بتول مرد میدان شجاعت صفدر صف جلال

(همان: ۳۰۷)

اشاره به حدیث «أنا مدينة العلم و علی بابها فمن اراد العلم فلیأت الباب.»

تکیه کردم من به جای مصطفی در شبی کز مکه شد بر سوی غار

(همان: ۶۴)

اشاره به هجرت پیامبر اسلام^(ص) از مکه به مدینه

۶-۶۴-۴. اعداد (سیاقه‌الاعداد)

چند اسم را که پشت سرهم ذکر شده‌اند از یک جهت منظور کنند و برای همه یک فعل

یا صفت آورند:

صانع‌الصنعی که در یک طرفه‌العین آفرید

شرق و غرب و بر و بحر و تحت و فوق و نور و نار

(برگ: ۱)

ماه و خورشید و بهشت و دوزخ و لوح و قلم

با ملائک جمله از نور نبی کرد آشکار

(همان: ۱۴)

جن و انس و وحشی و طیر و مرغ و ماهی زنده شد

چون بجوشد آب حیوان از درون چشمه‌سار

(همان: ۹)

شاه دلدل را به سوی خسرو مغرب براند

تاخت همچون باد بگرفتش کمر بند استوار

(همان: ۱۶)

۷-۶-۴-۴. واج‌آرایی (نغمه حروف)

تکرار یک صامت یا مصوت در چندین کلمه جمله:

کودک فرخ رخ فرخنده پی شانزده سالش گذشت از روزگار

(همان: ۶۲)

۸-۶-۴-۴. لف و نشر

در این آرایه، نخست چند واژه یا مطلب را در یک باره از کلام بیاورند (لف) و سپس در پاره یا پاره‌های دیگر کلام توضیح دهند (نشر). در اینجا اگر توضیحات به ترتیب باشند، لف و نشر مرتب و اگر به ترتیب نباشد، لف و نشر مشوش است:

آفریدم پیش ازین عالم به پانصد قرن پیش از برای دوستان و دشمنان نور و نار

(همان: ۷)

هر دو با هم دست‌ها بالا زدند آن یکی چون گور و این شیر شکار

(همان: ۵۸)

۹-۶-۴-۴. ارسال المثل یا تمثیل

شعر ضرب‌المثلی را در مفهوم خود داشته باشد یا اینکه از جنبه ضرب‌المثل برخوردار باشد:

سربه‌سر ای بی وفایان قولتان باشد دروغ راستی از مردم کج رو نبیند روزگار
(همان: ۵۲)

اشاره به ضرب‌المثل: بار کج به منزل نمی‌رسد.

دولت گر در جهان یابد کمال، از ره مرو آن شنیدستی که باشد هر کمالی را زوال
(همان: ۱۰۷)

اشاره به ضرب‌المثل: فواره چون بلند شود، سرنگون گردد.

۱۰-۶-۴-۴. مراعات نظیر

در اینجا برخی از واژه‌های کلام، اجزائی از یک کل هستند و از این جهت بین آنها ارتباط و تناسب است:

با تبسم گفت درینا در گرفتن چابکید در غزا سازید خود راه هزیمت اختیار
(همان: ۵۲)

حاکم‌الحکمی که حکمش در جهان از هرچه هست خاک و باد و آب و آتش را به هم کرده ست یار
(همان: ۵۲)

۱۱-۶-۴-۴. غلو

مبالغه، اغراق و غلو در حقیقت توصیفی است که در آن افراط و تأکید باشد و زمانی جنبه بدیعی دارد که با صنعتی همراه باشد. این صنعت خاص حماسه است:

اگر جبریل پرد پیش تیغش نیاوردی به امر حکم دادار

گذشتی ذوالفقار از گاو ماهی مدار این زمین گشتی نگون‌سار
(همان: ۴۶)

دست از کشتن نگیرم به اذن دادگر تا بگردد آسیا بر خون ایشان چون مدار
(همان: ۵۳)

ذوالفقار شاه مردان در میان بودی سه گز چون کشیدی هفت گز گشتی به حکم کردگار
چون بیفشاندی شدی هفتاد گز گاه غزا پس بریدی از کمر هفتاد تن را چون خیار
(همان: ۵۴)

۱۲-۶۴-۴. موازنه

هماهنگ کردن دو یا چند جمله به وسیله تقابل اسجاع متوازن در شعر را موازنه می‌گویند:

آنکه عالم را بدو باشد شرف وانکه آدم را بدو هست افتخار
(همان: ۲۲)

۱۳-۶۴-۴. تشخیص (جاندارانگاری)

در زمان خیل کواکب بر فلک پیدا شدند روز نورانی برفت و شد هویدا لیل تار
(همان: ۸)

چون ز حیدر این سخن بشنید دیو خیز کرد از روی تخت زرنگار
(همان: ۳۱)

دامن آن گرد را چون چاک زد باد صبا یک مبارز شد عیان چون کوه بر کوهی سوار
(همان: ۹)

جمله مرغان سحر را دیدم اندر ذکر دوست بر سر هر شاخساری پر زده در یکدیگر
(همان: ۱۱۰)

۱۳-۶۴-۴. حرف‌گرایی

در این باره در کتاب بدیع شمیسا آمده: «یعنی تشبیه به شکل و موقعیت حروف الفبا»
(شمیسا، ۱۳۷۸: ب: ۸۲)

بس که گشت این چرخ کج رفتار بر سر ماه و سال

دست قدم چون الف بود کنون خم شد چه دال

(آتشی، بی تا ج: ۳۰۶)

۷-۴-۴. معانی

۱-۷-۴-۴. اطناب

۱-۱-۷-۴-۴. ایضاح بعد از ابهام

آوردن توضیح اضافی برای روشن کردن مطلب مبهم:

لشکری آمد به پیکار تو بیرون از حصار بت پرستان لعین و کافران ز ناردار

(همان: ۴۸)

پیش او بنشست و در دم طیلسان در سر کشید صدر بدر کائنات و خواجه روز شمار

(همان: ۵۰)

بس ندارم در جهان غیر از تو ای والی جان هم‌زبان و همدم و یار و انیس غمگسار

(همان: ۵۵)

بی‌رضای امر او هرگز نمی‌گردد درست حکم تقدیر قضا و رای تدبیر قدر

(همان: برگ ۱۱۱)

۲-۱-۷-۴-۴. تکرار به جهت تأکید

گشت پنهان مذهب راه طریق جادوان بار دیگر آشکارا بت‌پرستی آشکار

(همان: ۵۰)

۳-۱-۷-۴-۴. ذکر خاص بعد از عام

آن خداوندی که از خوان عطایش می‌خورند

رزق و روزی جن و انس و وحشی و طیر و مور و مار

(همان: ۷۱)

از جمیع نسل آدم بهترند این پنج تن

انبیاء و اولیاء و اتقیاء راهبر

(همان: ۱۱۳)

گفت آنم کز فضیلت یافتم

از نبی دختر ز یزدان ذوالفقار

(همان: ۶۴)

۵. نتیجه‌گیری

آنچه در این مقاله عنوان شد، ویژگی‌ها و مشخصات برجسته سبکی و پر بسامد جنگ‌نامه میرزا حسن آتشی شاعر، قرن سیزده هجری قمری است.

کاتب نسخه مشخص نشده و با توجه به رسم‌الخط آن در صفحات مختلف، به نظر می‌رسد که بیش از یک کاتب داشته است. از یک خط مشخص استفاده نشده و بسیار بدخط بوده و به صورت مبتدی نگارش یافته است. در این نسخه برخی از لغات و اصطلاحات به نحو خاصی ضبط شده‌اند. برای مثال «خورشید» را به صورت «خورشید» نوشته که اگرچه غلط نیست، منظور نویسنده همان «خورشید» است و به نظر می‌رسد که رسم‌الخط قدیمی «خورشید» باشد.

در بیشتر موارد، حرف اضافه «به» به کلمه بعد از خود چسبیده است. همچنین متصل شدن «را» مفعولی به واژه قبل از خود نیز از ویژگی‌های رسم‌الخط این نسخه است. در بیشتر جاهای نسخه، «می» استمراری و مضارع جدا از فعل نیست و به آن‌ها چسبیده است. سرهم‌نویسی واژه‌ها هم در این نسخه امری کاملاً مرسوم است. بنابراین در این نسخه

بسیاری از واژه‌ها سرهم نوشته شده‌اند. در کل، در این نسخه حرف «گ» استفاده نشده و همه جا به جای آن «ک» آمده است. آوردن «ء» به جای «ای» هم دیگر ویژگی است که در این نسخه مشاهده می‌شود. در تمام نسخه، «چ» و «پ» با یک نقطه آمده‌اند. در این نسخه، تعداد زیادی اغلاط املائی نیز یافت می‌شود.

- این اثر آتشی در حوزه زبانی، برخی ویژگی‌های سبک خراسانی از جمله تسکین متحرک، آوردن «اندر» به جای «در»، تشدید مخفف، تخفیف واژه (حذف) و سادگی لفظ و معنا را در خود دارد، اما به تبع دوره شعری خویش، بسامد واژه‌های عربی در آن بالاست. واژه‌های عامیانه و مهجور در آن یافت نمی‌شود و برخی واژه‌ها و اصطلاحات عیسوی نیز در این جنگ‌نامه آمده است.

- در سطح فکری، منقبت پیامبر و امام علی^(ع)، اشاره به آیات و احادیث، اشاره به معجزات و کرامات پیامبر و امام علی^(ع) از مهم‌ترین مضامین آن است.

- در سطح ادبی، شاعر تقریباً از بیشتر آرایه‌های ادبی استفاده کرده است. در حوزه بیان، بسامد تشبیه، استعاره، کنایه و مجاز در آن زیاد است. در حوزه بدیع، آرایه جناس زیاد به چشم می‌خورد و از دیگر آرایه‌ها نیز خالی نیست. با این حال معنای اشعار فدای لفظ نشده‌اند و کاربرد آرایه‌ها، تصنعی به نظر نمی‌رسند.

منابع

۱. آتشی، میرزا حسن (بی تا الف)، نسخه خطی، مشهد: کتابخانه آستان قدس.
۲. — (بی تا ب)، جنگ‌نامه، نسخه خطی.
۳. — (بی تا ج)، نسخه خطی، مشهد: کتابخانه جامع گوهرشاد آستان قدس.
۴. آستان قدس، فهرست، ۳۱۸/۷، ۳۱۹.

۵. امین، حسن (۱۴۰۸)، *مستدرکات اعیان الشیعه*، لبنان، بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
۶. پورداوود، ابراهیم (۱۳۷۷)، *یشت‌ها*، تهران: اساطیر.
۷. حمیدیان، سعید (۱۳۸۳)، *درآمدی بر اندیشه و هنر فردوسی*، تهران: ناهید.
۸. داد، سیما (۱۳۸۵)، *فرهنگ اصطلاحات ادبی*، تهران: مروارید.
۹. دیچز، دیوید (۱۳۳۶)، *شیوه‌های نقد ادبی*، ترجمه غلامحسین یوسفی و محمدتقی صدقیانی، تهران: علمی.
۱۰. شفیع‌کدکنی، محمدرضا (۱۳۷۹)، *موسیقی شعر*، چ ۴، تهران: آگه.
۱۱. شمیسا، سیروس (۱۳۷۳)، *کلیات سبک‌شناسی*، چ ۱۰، تهران: فردوس.
۱۲. _____ (۱۳۷۸ الف)، *بیان*، چ ۲، تهران: فردوسی.
۱۳. _____ (۱۳۷۸ ب)، *نگاهی تازه به بدیع*، چ ۳، تهران: فردوسی.
۱۴. صفا، ذبیح‌الله (۱۳۸۴)، *حماسه‌سرایی در ایران*، چ ۷، تهران: امیرکبیر.
۱۵. طبری، محمد بن جریر (۱۳۶۲)، *تاریخ الطبری (تاریخ الرسل والملوک)*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: انتشارات اساطیر.
۱۶. کاشفی، میرزا حسین (۱۳۳۱)، *بدایع الافکار فی صنایع الاشعار*، ویراسته میرجلال‌الدین کزازی، چ ۱، تهران: مرکز.
۱۷. گرکانی، محمدحسین شمس‌العلماء (۱۳۷۷)، *ابدع البدایع*، به‌اهتمام حسین جعفر، تبریز: احرار.
۱۸. گلچین معانی، احمد (۱۳۴۶)، *فهرست کتب خطی کتابخانه آستان قدس رضوی*، مشهد: اداره کتابخانه.
۱۹. معلوف، لوئیس (۱۳۸۰)، *المنجد*، ترجمه محمد بندر ریگی، چ ۳، تهران: ایران.
۲۰. منزوی، احمد (۱۳۴۸)، *فهرست خطی فارسی*، تهران: مؤسسه فرهنگی منطقه‌ای.

۲۱. نصیری، محمدرضا (۱۳۸۴)، اثر آفرینان (زندگینامه نام‌آوران فرهنگی ایران)، چ ۲، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
۲۲. نیکویخت، ناصر و رنجبران، عباس (۱۳۸۷)، «نقد و تحلیل شیوه سعید نفیسی در تصحیح متون ادبی کلاسیک فارسی»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، سال شانزدهم، شماره ۶۰، ۱۳۱-۱۵۳.